

عوامل موثر بر ادراک در فرایند قانون گذاری

سید علی اکبر افجه^۱ - وجه الله قربانی زاده^۲ - الهام حیدری^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کشف عوامل محیطی مؤثر بر ادراک نمایندگان در فرایند تصویب قوانین انجام گرفت. روش استفاده شده در این تحقیق، نظریه داده بنیاد است. نمونه گیری با استفاده از منطق نمونه گیری نظری و روش قضاوتی هدفمند انجام گرفت و تا حصول اشباع نظری دنبال شد. مجموعاً با ۱۶ نفر از نمایندگان مجلس مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد و اسناد مکتوبی همچون مشروح مذاکرات نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها در فرایند کدگذاری منجر به ظهور ۵۳ کد و ۹ مفهوم انتزاعی شد که یک مقوله محوری و دو مقوله اصلی را تشکیل دادند. این مقولات در فرایند کدگذاری انتخابی به یکدیگر مرتبط شدند و در نهایت ۲ قضیه اصلی و ۶ زیرقضیه بدست آمد. تحلیل داده‌ها، مبین آن است که عوامل محیطی مؤثر بر ادراک نمایندگان از دو مقوله اصلی عوامل محیط خارجی و عوامل محیط داخلی تشکیل شده است. عوامل محیط خارجی متشکل از ۴ مفهوم فشارهای سیاسی - حقوقی، فشارهای اقتصادی، فشارهای اجتماعی - فرهنگی و فشارهای فناورانه می باشد. عوامل محیطی داخلی از دو مفهوم ساختار و رویه‌های داخلی سازمان و فرهنگ حاکم بر سازمان تشکیل شده است. ادراک نیز مقوله محوری پژوهش قلمداد شد که خود از دو زیرمقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم و سه مفهوم معنا سازی، معنا بخشی و معنا شکنی تشکیل شده است.

واژگان کلیدی: ادراک، عوامل محیطی خارجی، عوامل محیطی داخلی، روش نظریه داده بنیاد.

-
۱. استاد گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی
 ۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی
 ۳. دانشجوی دکترای مدیریت بازرگانی گرایش رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی نویسنده مسئول: آدرس پست الکترونیک؛ elhamheydari@ut.ac.ir

مقدمه

نمایندگان از کلیدی‌ترین و تأثیرگذارترین افراد یک کشور محسوب می‌شوند که بررسی علمی رفتارشان در انجام امور نمایندگی از اهمیت بسزایی برخوردار است. قانون‌گذاری نمایندگان مجلس شورای اسلامی نقش بسزایی در سطح جامعه هم از بعد مکانی و هم از بعد زمانی ایفا می‌نماید. منظور از بعد مکانی آن است که قوانین درست و یا نادرست نمایندگان می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی بی‌شماری را در سطح کشور به بار آورد و همچنین از نظر زمانی باید به این حقیقت اشاره کرد که پیامدهای قوانین مصوب نمایندگان می‌تواند اثر دیرپا و طولانی مدتی در کشور برجای گذارد. بنابراین قوانین تدوین شده از سوی نمایندگان بر طیف گسترده‌ای از مردم و در طول دوره‌های زمانی طولانی اثرگذار است.

قانون‌گذاری مشتمل بر مراحل متعددی است که در آن تصمیم‌گیری به صورت فردی و جمعی انجام و نهایتاً به قوانین مصوب منتهی می‌شود. بی‌تردید در فرایند پیچیده قانون‌گذاری ادراک نمایندگان نقش موثری ایفا می‌کند. به طور کلی، نحوه ادراک از محیط در ارتباطات اجتماعی افراد، تصمیم‌گیری و عملکرد آنها بسیار موثر است. افراد از طریق ادراک به کسب معرفت و شناخت از جهان پیرامونی خود نایل می‌شوند و محیط خود را درک و معنا می‌کنند و بر اساس همان ادراک، عمل می‌کنند. براین اساس ادراک نقش کلیدی در شناخت نمایندگان از جهان پیرامونی ایفا می‌کند، بنابراین بررسی عوامل مؤثر بر ادراک نمایندگان به هنگام قانون‌گذاری موضوعی کلیدی است. بررسی عوامل مؤثر بر ادراک نمایندگان در قانون‌گذاری و افزایش آگاهی نمایندگان از تأثیر این عوامل می‌تواند نمایندگان را در ارتقاء کیفیت تدوین و تصویب قوانین یاری کند.

شناخت ماهیت و شناسایی عوامل مؤثر بر ادراک نمایندگان در مسیر قانون‌گذاری موضوعی به‌غایت پیچیده و نیازمند پژوهش‌های ژرف‌نگرانه و محققانه است. ادراک از منظرهای مختلفی مورد توجه محققان قرار گرفته است. از جمله از منظر روان‌شناسی، علوم اعصاب و فلسفه. با توجه به پیامدهای ادراک افراد در زمینه سازمان، مفهوم ادراک مورد توجه محققان علوم مدیریت خصوصاً محققان رفتار سازمانی نیز قرار گرفته است. اما با توجه به اینکه جامعه آماری تحقیق حاضر نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌باشد، انجام تحقیق در این زمینه دشوار بوده و تحقیقات انجام شده در این قلمرو انگشت شمارند.

هدف غایی این پژوهش، طراحی الگوی عوامل محیطی مؤثر بر ادراک نمایندگان در

قانون گذاری می باشد، بنابراین ضرورت دارد که به این پرسش کلیدی پاسخ داده شود که چه عوامل محیطی بر ادراک نمایندگان به هنگام قانون گذاری اثر می گذارند و قضایای تئوریک حاکم بر آن کدام است؟ در این پژوهش عوامل محیطی مؤثر بر ادراک نمایندگان احصاء گردید، ارتباط میان عوامل اثرگذار شناسایی شد و در نهایت الگوی عوامل محیطی مؤثر بر ادراک نمایندگان طراحی شد.

مبانی نظری تحقیق

ادراک

ادراک عبارت است از باورها و احساساتی که عکس العمل های انسان را نسبت به حوادث و دیگران آماده می سازد. نحوه ادراک از دیگران در ارتباطات اجتماعی مدیران و کارکنان بسیار مؤثر است (افجه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱).

گرگوری^۱ در تحقیقات خود ادراک را سازماندهی، شناسایی و تفسیر اطلاعات حسی محیط به منظور شناخت محیط می داند. ادراک از طریق ایجاد سیگنال هایی در سیستم عصبی که حاصل از محرک های فیزیکی و شیمیایی ارگان های حسی بدن است، حاصل می شود (گرگوری، ۲۰۰۰).

از نظر پیکنز^۲ (۲۰۱۴)، ادراک شامل ۴ مرحله تحریک، ثبت، سازماندهی و تفسیر می باشد. آگاهی فرد و پذیرش محرک نقش مهمی را در فرایند ادراک ایفا می کند. پذیرش محرک بسیار انتخابی می باشد و ممکن است بوسیله عقاید فعلی افراد، نگرش ها، انگیزش افراد و شخصیتشان محدود شود. افراد محرک هایی را انتخاب می کنند که نیازهای فوری آنها را برآورده سازد (هوشیاری ادراکی) و ممکن است محرک هایی که باعث ایجاد نگرانی های روانشناختی شود را در نظر نگیرند (دفاع ادراکی).

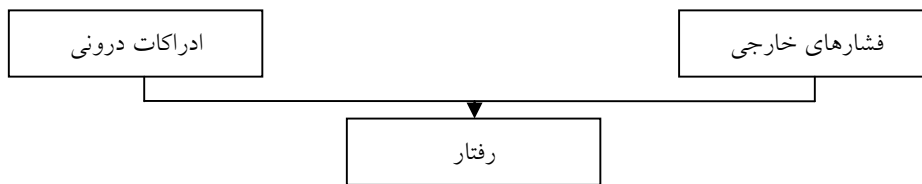
نخستین تحقیقات انجام شده در خصوص ادراک نشان می دهد که رابطه ای یک طرفه میان ادراک و رفتار وجود دارد؛ به این صورت که ادراکات افراد تعیین می کند که فرد چه رفتاری انجام دهد. با این وجود در اواخر دهه ۱۹۶۰ تحقیقات جدید انجام گرفته تأثیر مذکور را به چالش کشید و این نکته را بیان نمود که افراد در برخی شرایط ادراکاتشان را متناسب با اعمالشان تغییر می دهند. براساس تحقیقات دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، محققان به این

1. Gregory

2. Pickens

نتیجه رسیدند که رفتار عملی انسان را ادراکات او هدایت می‌کند اگر:

۱. تأثیرات خارجی بر آنچه انسان می‌گوید یا انجام می‌دهد در کمترین حد ممکن باشد، آنگاه فشارهای اجتماعی ممکن است ارتباط میان ادراک انسان و اعمال او را چه از طریق تأثیر بر گفتار و چه از طریق تأثیر بر اعمال تحت تأثیر قرار دهد. شکل زیر این تأثیر را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱: رابطه میان ادراک و رفتار (افجئه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲)

۲. ادراک به طور مشخص مربوط به رفتار باشد؛ انسان به سهولت ادراکات عمومی را که با رفتارهای وی ناهماهنگ است از خود نشان می‌دهد. برای مثال ادعای دوستی می‌کند اما در عمل به راحتی دست به دشمنی می‌زند.

۳. انسان به نحو زیرکانه‌ای از ادراکات خود آگاه باشد؛ انسان به نحوی با بی‌اعتنایی عادات یا انتظارات اجتماعی را دنبال می‌کند که گویا ادراک او خواب است و اگر حادثه‌ای وی را نسبت به آنچه انجام می‌دهد آگاه کند و به خود آورد و ادراک او را بیدار کند، نسبت به محکوم کردن خود صادق‌تر است.

در شرایط مطمئن، انسان غالباً بر آنچه باور دارد، نظیر مواردی که در زیر می‌آید، پافشاری می‌کند:

۱. زمانی که تأثیر دیگران بر وی در کمترین حد ممکن است.

۲. زمانی که ادراک وی با رفتار او تطبیق می‌کند.

۴. زمانی که از ادراک خود باخبر می‌شود.

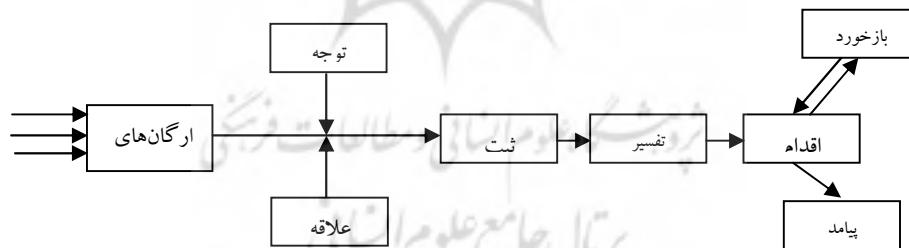
پس ادراکات بر رفتار مؤثرند و رفتار و اعمال هم بر ادراکات مؤثرند و افراد به آنچه انجام می‌دهند اعتقاد دارند، هر چند ادراکی خلاف آن اعمال داشته باشند. این بدان معناست که ادراک هم از رفتار تبعیت می‌کند؛ بنابراین یک رابطه دو جانبه میان رفتار و ادراک وجود دارد (افجئه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱-۱۶۲).

رفتارهای عملی انسان می‌تواند از این راه‌ها موجب تغییر ادراکات شود:

۱. موافقت اولیه با یک خواهش کوچک می‌تواند منجر به پذیرفتن خواهش‌های بزرگتر و تغییر ادراک برای تکمیل موافقت اولیه شود.
۲. انتظارات از یک نقش و مقام اجتماعی نحوه رفتار در آن مقام و تغییر ادراک را برای کسانی که آن مقام را اشغال می‌کنند آسان می‌کند.
۳. انسان وقتی که در مقام انجام عملی برمی‌آید که با ادراک او ناهماهنگ است، برای اینکه از شدت ناهماهنگی بین حرف و عمل خود بکاهد به ناچار حرف و ادراک خویش را مطابق عمل انجام شده اصلاح می‌کند (افجّه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۳-۱۶۲).

فرایند ادراک

گری و وگنر (۲۰۰۷) در تحقیقات خود به بررسی فرایند ادراکی پرداخته‌اند و آن را به نحو ساده‌ای نشان داده‌اند. از نظر آنها محرک‌های بیشماری با ارگان‌های حسی بدن برخورد می‌کند، از جمله محرک‌های بویایی، شنوایی و... اما مغز و سیستم عصبی قادر به پردازش همه این اطلاعات نخواهد بود. فرد احتمالاً به سختی از وجود این داده‌های حسی در اطراف خود آگاه می‌شود. بنابراین آنچه در این میان اتفاق می‌افتد انتخاب از میان بسیاری از محرک‌ها و پردازش برخی از آنها می‌باشد. آن‌ها مدل فرایند ادراکی را به صورت ذیل ارائه کرده‌اند:



شکل شماره ۲: مدل فرایند ادراکی (Gray & Wegner, 2007)

برونر^۱ یکی از نخستین روانشناسانی بود که فرایند ادراکی را تشریح کرد. از نظر او افراد به منظور درک محیط خود سه مرحله را دنبال می‌کنند: نخست، وقتی فرد با یک هدف ناآشنا مواجه می‌شود، به دنبال نشانه‌های اطلاعاتی از آن هدف می‌گردد تا در مود هدف بیشتر بداند.

در مرحله دوم، فرد تلاش می‌کند تا اطلاعات بیشتری در مورد هدف کسب کند. تدریجاً با نشانه‌های آشنایی مواجه می‌شود که به فرد در طبقه‌بندی نمودن هدف کمک می‌کند. در مرحله نهایی (مرحله سوم)، نشانه‌ها انتخاب می‌شوند. فرد بیشتر به دنبال نشانه‌هایی است که طبقه‌بندی‌اش را در مورد هدف تأیید نماید. افراد همچنین به طور فعالانه علائمی که با ادراک اولیه‌شان در تضاد است را انکار می‌کنند و یا منحرف می‌سازند. در نهایت ادراک انتخاب شده و یک تصویر ثابت از هدف در ذهن سپرده می‌شود (سک و اشفورس^۱، ۲۰۱۱).

پیشینه تحقیق

تاکنون بررسی عوامل مؤثر بر ادراک نخبگان سیاسی از جمله نمایندگان به طور مستقیم انجام نشده است، اما در ادبیات موضوع می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد که در آن‌ها ادراک تصمیم‌گیرندگان سیاسی به طور غیرمستقیم بررسی شده‌اند. در مجموع با مرور تحقیقات انجام شده می‌توان به چند دسته‌بندی در خصوص عوامل مؤثر بر ادراک نمایندگان در هنگام تصمیم‌گیری دست پیدا کرد؛ در برخی از تحقیقات، ایدئولوژی نماینده و تفکرات حزبی، عوامل مؤثر بر نحوه تصمیم‌گیری نمایندگان قلمداد شده‌اند. تحقیقات تولاک^۲ (۱۹۸۴) و پوتنام^۳ (۱۹۷۱) در این خصوص قابل ذکر هستند. در همین راستا در تحقیقات دیگری چارچوب ذهنی و نحوه تصمیم‌گیری نمایندگان محافظه‌کار و سوسیالیست در پارلمان کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و آلمان بررسی شد. با توجه به نقشه ذهنی نمایندگان و فشارهای وارده از سوی احزاب بر آن‌ها، تصمیمات آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مجموعه‌ای از خطاهای رفتاری که بر عملکرد آن‌ها اثر سوء می‌گذارد شناسایی شدند. این خطاها عبارت بودند از کلیشه‌سازی و تعصب، نژاد پرستی و قوم‌گرایی (آندورنو و همکارانش، ۱۹۵۰؛ روکه^۴، ۱۹۶۰؛ آلتمیر^۵، ۱۹۹۸؛ داکیت^۶، ۲۰۰۱؛ جاست و همکارانش^۷، ۲۰۰۸).

برخی محققان همچون براش و سندر^۸ (۲۰۱۳) و جاست و همکارانش (۲۰۰۸)، سیستم‌های ارزشی را عامل کلیدی مؤثر بر ادراک نخبگان سیاسی به هنگام تحلیل محیط دانسته‌اند.

1. Saks & Ashforth
2. Tetlock
3. Putnam
4. Rokeach
5. Altemeyer
6. Duckitt
7. Jost et al
8. Sander & Brosch

براساس این دیدگاه افراد با باورها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که دارند به مسائل می‌نگرند. هر کدام از نخبگان سیاسی به هنگام تصمیم‌گیری تحت تأثیر ارزش‌های بنیادین خود قرار می‌گیرند. نمایندگان براساس این ارزش‌ها، محیط پیرامونی خود را تحلیل و تصمیم‌گیری می‌کنند. بریتنویت^۱ (۱۹۹۴) با بررسی قوانین مصوب توسط نمایندگان به این نتیجه رسید که یکی از عوامل مهمی که بر نحوه تصمیم‌گیری نمایندگان اثر می‌گذارد، ارزش‌های حاکم بر جامعه و فشارهای نهادی وارده بر ادراک نمایندگان است. بریتنویت (۱۹۹۴) بر این اساس یک مدل دو بعدی از ارزش‌های سیاسی را ارائه نمود. از نظر وی ارزش‌های مربوط به امنیت همانند نظم اجتماعی و قدرت ملی با نگرش محافظه کاران قرابت دارد. برعکس ارزش‌های مرتبط با هارمونی همانند برابری و انسان‌گرایی با نگرش لیبرال‌ها قرابت دارد. از دیدگاه روان‌شناسی سیاسی، این تحقیقات اهمیت بسزایی دارند چراکه اهداف و انگیزه احزاب راست و چپ را نشان می‌دهند. در یکی از آخرین تحقیقات انجام شده در این خصوص، جاست و همکارانش (۲۰۱۶) با بررسی مطالعات گذشته ارزش‌های مرتبط با هر یک از نمایندگان لیبرال و محافظه کار را شناسایی و در قالب جدول ذیل ارائه کردند.

جدول شماره ۱: ارزش‌های حاکم بر نمایندگان لیبرال و محافظه‌کار (Jost et al, 2016)

لیبرال‌ها	محافظه کاران
برابری	رضایت شخصی
جهان در صلح	امنیت خانواده
هارمونی (انسان‌گرایی، رشد شخصی)	امنیت (نظم اجتماعی، قدرت ملی)
حفظ محیط زیست	حفظ اقتصاد
جهانشمولی	انطباق پذیری
خیرخواهی	سنت‌گرایی (مقاومت در برابر تغییر)
خودبینی	قدرت
تغییرات اجتماعی (پیشرفت، نوآوری)	موفقیت
عدالت (عدالت اجتماعی)	سلسله مراتب (نابرابری)
اجتناب از آسیب	اقتدارطلبی
گروه‌گرایی (همکاری)	وفاداری درون گروهی، رقابت، فردگرایی

گروهی دیگر از محققان، در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که نمایندگان به هنگام تصمیم‌گیری از عوامل اثرگذار بر ادراک خود آگاه نیستند (کرین^۱، ۲۰۰۵؛ کرهان و پنتلند، ۲۰۰۷). گستاگومز و همکارانش^۲ (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که حتی اگر نمایندگان در مورد سبک شناختی خود در زمان تصمیم‌گیری آگاهی داشته باشند، نسبت به محدودیت‌هایی که این سبک بر تصمیماتشان وارد می‌سازد بی‌اطلاع و ناآگاه هستند.

گروه دیگری از تحقیقات، شخصیت نماینده را عامل موثری در نحوه ادراک نماینده از محیط دانسته‌اند، به عنوان مثال اسپارکمن^۳ و همکارانش (۲۰۱۶) در تحقیق خود ابعاد مختلف شخصیتی نمایندگان و تأثیرش را بر نحوه ادراک آن‌ها بررسی کرده‌اند. در گروه دیگری از تحقیقات نگرشی سیستمی و فرایندی به کار گرفته شده است. در این پژوهش‌ها هم فرایندهای بالا به پایین مانند فشارهای سیاسی و مسائل بین فردی، و هم فرایندهای پایین به بالا همانند شخصیت و ژنتیک به طور همزمان بررسی شده‌اند و این نتیجه حاصل شده است که این دو فرایند در کنار یکدیگر گرایش‌های سیاسی افراد و ادراکات نخبگان سیاسی برای تحلیل مسائل محیطی را شکل می‌دهند (جاست و همکارانش، ۲۰۱۶). پژوهش دیگری فرایند قانون‌گذاری نمایندگان را از سطح فردی تا سطح جمعی و از بعد رفتاری بررسی کرده است؛ به عبارت دیگر فرایندی که طی آن نمایندگان یک طرح یا لایحه را از سطح فردی تا جمعی بررسی می‌کنند، به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و به ابعاد شناختی و ادراکی آن در همه مراحل اشاره شده است. این ابعاد عبارتند از: باورهای بنیادی افراد، تشریفات مذهبی و ارزش‌های اجتماعی، فشارهای سیاسی و ایدئولوژیک، تصور نمایندگان از چشم‌انداز جهان در مقایسه با واقعیت کنونی آن، خطاهای ادراکی، نقش احزاب، و نحوه ادراک نمایندگان برای بسیج نیروها در سطح جمعی در راستای تصویب طرح‌ها یا لوایح (اسلمبرگ، ۲۰۱۶).

در برخی از تحقیقات از زاویه عقلانیت و شهود، قانون‌گذاری نمایندگان بررسی شده است. به عنوان مثال، چگونگی پردازش اطلاعات پیچیده توسط نخبگان سیاسی یکی از اصلی‌ترین سؤالات این گروه از پژوهشگران است. در عمده این تحقیقات به فرآیندهای دوگانه استدلال اشاره شده است: فرآیندهای نسبتاً ناآگاهانه و کارکردهای شناختی آگاهانه (کالین، ۲۰۰۹). در این تحقیقات ادعا شده است که نخبگان سیاسی از حیث درجه

1. Crane
2. Costa-Gomes
3. Sparkman

سیستماتیک فکر کردن با یکدیگر متفاوتند؛ به علاوه ثابت کرده اند که اکثر نخبگان به طور اکتشافی تصمیم می گیرند (بالاک^۱، ۲۰۱۱). سایمون (۱۹۵۵) هم معتقد بود که در محیط های با اطلاعات پیچیده، انسان ها براساس بهینه سازی تصمیم نمی گیرند بلکه از اکتشاف استفاده می کنند، خطوط اصلی را برای تصمیم در نظر می گیرند و اصطلاحاً به راه حل رضایت بخش رضایت می دهند. از دیدگاه سایمون، افراد گزینه ها را به طور همزمان تجزیه و تحلیل نمی کنند بلکه انتخاب هایشان را با توالی صورت می دهند. آن ها تا زمانی به تصمیمات خود متعهد می مانند که عملکرد رضایت بخشی داشته باشند. دیویس^۲ و همکارانش (۱۹۸۵) معتقدند بسیاری از تصمیمات سیاستمداران غیر عقلایی است و غیرعقلایی بودن تصمیمات باعث می شود مداخله های سیاسی موثرتر باشند. بالاک (۲۰۱۱) معتقد است، نمایندگان به هنگام قانون گذاری با مسائل متعددی از جمله گروه های فشار، و ترجیحات حزبی مواجهند که به آن ها اجازه نمی دهد تصمیمی بهینه اتخاذ کنند. تاکنون برای توضیح علت رفتار نمایندگان از نظریات گوناگونی از جمله تئوری بازی، تئوری آغاز جنگ، تئوری مبادله و مذاکره، تئوری انتظار، مدل های عقلایی و شناختی استفاده شده است، در این میان بررسی ادراک نمایندگان و تحلیل نحوه تصمیم گیری نمایندگان اهمیت بسزایی دارد. تحقیقات تجربی در موضوع پژوهش حاضر هنوز در ابتدای راه است و زمینه های متعددی برای انجام پژوهش توسط محققان آتی قابل تصور است.

روش تحقیق

نظریه داده بنیاد شیوه ای از پژوهش کیفی است که با استفاده از دسته ای از داده ها، نظریه ای تکوین می یابد. ایده اصلی این راهبرد، آن است که نظریه پردازی از داده های در دسترس ناشی نمی شود بلکه بر اساس داده های حاصل از مشارکت کنندگان که فرایند مورد پژوهش را تجربه کرده اند ایجاد یا مفهوم سازی می شود (اشتروس و کوربن، ۱۹۹۰، ص. ۲۱). برای انجام تحقیق به روش نظریه داده بنیاد سه شیوه معرفی شده است که عبارت اند از: شیوه سیستماتیک که به اشتروس و کوربن (۱۹۹۰) نسبت داده می شود. شیوه نوحاسته یا کلاسیک که به گلنزر (۱۹۹۲) نسبت داده شده است و شیوه ساختارگرا که توسط شارماز (۲۰۰۰) مطرح شده است. دو تفاوت عمده شیوه کلاسیک و سیستماتیک عبارت است از: اولاً نظریه داده بنیاد کلاسیک

1. Bullock
2. Davis

برخلاف رویکرد سیستماتیک چندان بر ادبیات تأکید نمی‌کند و پیشنهاد می‌کند مرور ادبیات در زمان تحلیل داده‌ها انجام شود. ثانیاً، شیوه سیستماتیک برای تجزیه و تحلیل داده‌ها چارچوبی عمومی را پیشنهاد می‌کند که به مدل پارادایمی معروف است، اما شیوه کلاسیک هرگونه چارچوب از پیش تعیین شده را ضد نظریه‌سازی می‌داند. البته شایان ذکر است که کوربن نیز مدل پارادایمی را صرفاً به عنوان ابزاری کمکی به محققان تازه کار پیشنهاد می‌کند و استفاده از آن در تحقیقات شیوه سیستماتیک اجباری نیست (حیدری و سیدکلایی، ۱۳۹۵). در جدول شماره ۲ به طور خلاصه تفاوت رویکرد گلیزر با رویکرد اشتراوس و کوربن ارائه شده است.

جدول شماره ۲: مقایسه نظریه داده بنیاد کلاسیک و سیستماتیک (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۴)

اشتراوس و کوربن	گلیزر
پیش برداشت‌های محقق، بر آنچه باید جستجو و مطالعه شود تأثیر می‌گذارد؛ محقق از قبل مسئله را مشخص می‌کند؛ محقق مسئله‌ای را از طریق مطالعه ادبیات، تجارب شخصی یا استاد راهنما انتخاب می‌کند؛ داشتن ایده کلی که از کجا باید شروع کرد؛ فشار بر نظریه با سؤال‌های ساختاریافته و چارچوب از پیش تعیین شده؛ احتمال بیشتر ارائه یک توصیف؛ داده‌ها ساختار داده می‌شوند تا نظریه آشکار شود؛ کدگذاری بسیار قاعده‌مند، حساب شده و با تکنیک‌های خاص کدگذاری: باز، محوری، انتخابی هدف، شناسایی شرایطی است که به مجموعه‌ای از عمل/تعامل در ارتباط با یک پدیده و پیامدهای مربوطه منجر می‌شود؛	به تعلیق در آوردن پیش برداشت‌های محقق؛ مسئله از داده‌ها ظاهر می‌شود؛ محقق یک حوزه بنیادی را برای مطالعه انتخاب می‌کند و جمع‌آوری داده‌ها بدون یک مسئله پیش پنداشته آغاز می‌شود؛ شروع با ابهام ظهور نظریه احتمال بیشتر ایجاد یک نظریه مفهومی؛ داده‌ها نظریه را آشکار می‌کنند؛ کدگذاری با قواعد کلی کدگذاری: باز، انتخابی، نظری هدف، کشف یک نظریه از داده‌هاست؛

همانطور که در جدول بالا مشاهده می کنید، نظریه داده بنیاد به روش سیستماتیک، از فرایند کد گذاری باز، محوری و انتخابی پیروی می کند و در مقابل در روش کلاسیک، کد گذاری شامل مراحل کد گذاری باز، انتخابی و نظری است. کد گذاری باز کمابیش در هر دو روش یکسان است اما کد گذاری انتخابی و نظری در رویکرد کلاسیک، با کد گذاری محوری و انتخابی در رویکرد سیستماتیک تفاوت دارد. تفاوت اصلی آنها نیز در بکارگیری مدل پارادایمی به کمک رویکرد سیستماتیک و اجتناب رویکرد کلاسیک از هر گونه چارچوب محدود کننده است (حیدری و سید کلالی، ۱۳۹۵).

روش به کار گرفته شده در پژوهش حاضر، نظریه داده بنیاد کلاسیک است. انتخاب این روش به این دلیل صورت پذیرفت که اگرچه در خصوص ماهیت ادراک و تأثیر ادراک بر متغیرهای گوناگون تحقیقات زیادی صورت گرفته است اما تحقیقات محدودی در زمینه عوامل محیطی مؤثر بر ادراک افراد خصوصاً نخبگان سیاسی انجام شده است. ثانیاً با توجه به اینکه پژوهش حاضر در مورد ادراک است و جزء موضوعات رفتاری پیچیده قلمداد می شود، وجود چارچوبی مشخص برای تحقیق، آزادی عمل محقق را کاهش می دهد و وی را مجبور می کند صرفاً عوامل از پیش تعیین شده در چارچوب سیستماتیک را تکمیل کند. به عبارت دیگر با عطف نظر به پیچیدگی مسئله تحقیق، وجود هر گونه مدل و چارچوب از پیش تعیین شده به فرآیند و نتایج تحقیق آسیب می رساند. لذا محقق با بهره گیری از روش نظریه داده بنیاد کلاسیک سعی کرد تا بدون تحمیل هیچ چارچوب و مدلی به تحلیل داده ها بپردازد.

در پژوهش حاضر از دو روش رایج برای گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است: مصاحبه های نیمه ساختار یافته و داده های آرشیوی از قبیل مشروح مذاکرات. اندازه نمونه بر اساس اصل اشباع نظری طی مراحل انجام تحقیق معلوم شد و از پیش تعیین نشده بود (اشتروس و کوربن، ۱۹۶۷). با توجه به گستردگی حوزه قانون گذاری و تنوع قوانین مصوب، قوانین بررسی شده محدود به قوانین برنامه پنجم و ششم توسعه شد. پس از شناسایی نمایندگان حاضر در کمیسیون های مرتبط با لایحه برنامه توسعه، فهرستی ۲۰ نفره از آنان احصاء شدند و جهت انجام مصاحبه، با همه این افراد تماس حاصل شد. در نهایت ضمن این که اشباع نظری محقق شد، ۱۶ نفر از این نمایندگان مصاحبه شدند. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر نمونه گیری با بهره مندی از منطقی نمونه گیری نظری و روش قضاوتی هدفمند انجام پذیرفت و تا حصول

اشباع نظری دنبال شد. مضافاً منابع گردآوری داده‌ها با بهره‌گیری از اصول مورد کاوی (ین^۱، ۱۹۸۴) تقویت شد؛ در این راستا مشروح کلیه مذاکرات مرتبط با لایحه برنامه توسعه مورد مطالعه قرار گرفت و حجم زیادی از داده‌های آرشیوی قابل اتکا مانند گفتگوهای منتشر شده با نمایندگان در روزنامه‌ها، جراید و خبرگزاری‌ها تجزیه و تحلیل شدند.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری، مرتب‌سازی، و مقایسات همیشگی که اصلی‌ترین عناصر روش نظریه داده‌بنیاد را تشکیل می‌دهند بهره گرفته شد. اعتبارسنجی نیز از طریق جستجوی مستمر برای یافتن مثال‌های مؤید و ناقص، ضمن در نظر گرفتن ترتیب و توالی زمانی وقایع انجام گرفت و ملاحظات اعتمادپذیری، اصالت، انتقادی بودن، تمامیت، صراحت، روشنی، خلاقیت، کمال، تناسب و حساسیت (حیدری و سیدکلالی، ۱۳۹۵) نیز ملاحظه شد. برای تست یافته‌های تحقیق، داده‌ها چندین بار مرور مجدد شدند و سرانجام مدل نهایی با حضور برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش پالایش شد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

به منظور کدگذاری باز، در گام نخست تک تک جمله‌های مصاحبه‌ها به طور دقیق تجزیه و تحلیل شده و شواهد استخراج شدند. منظور از شواهد آن جملات و عباراتی از مصاحبه شونده است که به نحوی در ارتباط با سؤال اصلی تحقیق می‌باشد. در مرحله بعد شواهد تجزیه و تحلیل شدند و کدها احصاء شدند و پس از تحلیل و طبقه‌بندی، مفاهیم انتزاعی حاصل گردیدند. در واقع مفاهیم یک سطح بالاتر از کدها در نظر گرفته شدند. مفاهیم احصاء شده همراه با نمونه‌هایی از نقل قول‌های مرتبط در جدول شماره ۳ درج شده است. لازم به ذکر است، همچنان که داده‌ها جمع‌آوری می‌شدند، تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش مقایسه مستمر نیز اجرا می‌شد. البته ذکر این نکته ضروری است که فرایند مقایسه مستمر در تمام طول پژوهش اجرا شد و صرفاً محدود به مرحله کدگذاری باز نمی‌باشد.

جدول شماره ۳: نمونه نقل قول‌های مصاحبه شونده‌گان متناسب با مفاهیم اصلی تحقیق

ردیف	مفاهیم	نمونه نقل قول
۱	فشار سیاسی و حقوقی	نمایندگان همواره تحت فشار هستند، به عنوان مثال به ما فشار می‌آورند که رأی مثبت یا منفی به یک لایحه بدهیم، گاهی اوقات وعده اعطای مناصب سیاسی بعد از دوره نمایندگی داده می‌شود.
۲	فشار اقتصادی	تعداد انگشت شماری از نمایندگان با توجه به اینکه هزینه هنگفتی برای تبلیغات خود در دوره انتخابات انجام داده‌اند به دنبال آن هستند که با انجام برخی فعالیت‌های اقتصادی تا حدودی آن هزینه‌ها را جبران کنند.
۳	فشار اجتماعی و فرهنگی	مردم از ما انتظار دارند برایشان وام تهیه کنیم، انتظار دارند برای فرزندانشان شغل ایجاد کنیم، انتظار دارند فرزندانشان را از دانشگاه‌های شهرهای مختلف به شهر خودشان انتقال دهیم، انتظار دارند فرزندانشان را در برخی مدارس ثبت نام کنیم، همه این موارد به یک نماینده فشار وارد می‌کند.
۴	فشار فناوریانه	من از بسیاری از رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها گله دارم. از وقتی کانال تلگرام آمده است، هر خبرگزاری خبری را بدون توجه به موثق بودنش پخش می‌کند.
۵	ساختار و رویه‌های مجلس	اگر رویه‌های داخلی مجلس بهتر طراحی می‌شد و نقش معاونت‌ها پررنگ‌تر می‌شد دید بهتری یک نماینده کسب می‌کرد.
۶	فرهنگ حاکم بر سازمان	فرهنگ داخلی مجلس مبتنی بر پژوهش نیست و جامعه پذیری نمایندگان به خوبی اتفاق نمی‌افتد.

کدگذاری باز تا زمان شناسایی مقوله اصلی ادامه می‌یابد. مقوله محوری، دل‌نگرانی و دغدغه اصلی شرکت‌کنندگان است. چند معیار برای انتخاب یک مقوله به عنوان مقوله محوری وجود دارد که مهمترین آنها عبارت‌اند از: مرکزی بودن، مرتبط بودن به سایر مقوله‌ها، اتفاق افتادن مکرر در داده‌ها و صرف زمان بیشتر برای اشیاع شدن (گلیزر، ۱۹۶۷). در تحقیق حاضر با توجه به سئوالاتی که از مصاحبه‌شونده‌گان پرسیده شد، ادراک نمایندگان به عنوان مقوله محوری انتخاب شد و داده‌ها حول آن سامان یافتند. بنابراین در این مرحله کدگذاری

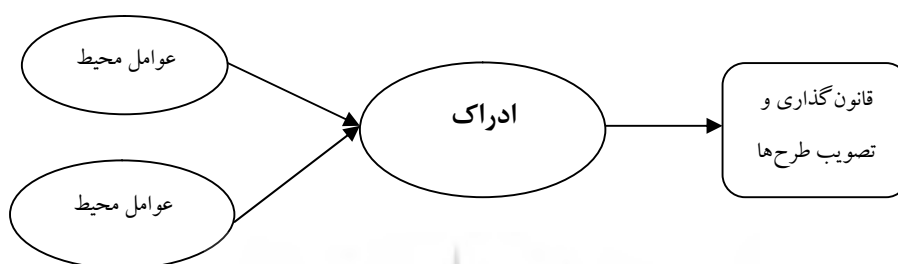
صرفاً برای مقوله اصلی و مقوله‌های مرتبط صورت می‌گیرد و دیگر داده‌های نامرتب در نظر گرفته نمی‌شوند. کدگذاری انتخابی تا زمانی ادامه می‌یابد که مقوله اصلی و مقوله‌های مرتبط اشباع شوند. اشباع زمانی رخ می‌دهد که ویژگی‌های بیشتر و جدیدتری از داده‌ها حاصل نشود. در مجموع مقوله‌های پژوهش عبارت بودند از: ادراک، عوامل محیط داخلی، و عوامل محیط خارجی. برای مقوله محوری ادراک نیز دو زیرمقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم شناسایی شد. در زیرمقوله شناخت مستقیم، مفهوم معناسازی، و در زیرمقوله شناخت غیرمستقیم، مفاهیم معنابخشی و معناشکنی احصاء شدند. مقوله عوامل محیط خارجی خود شامل ۴ مفهوم انتزاعی فشارهای سیاسی - حقوقی، فشارهای اقتصادی، فشارهای اجتماعی - فرهنگی و فشارهای فناورانه می‌باشد. مقوله عوامل محیطی داخلی نیز شامل دو مفهوم انتزاعی ساختار و رویه‌های داخلی سازمان و فرهنگ حاکم بر سازمان می‌باشد که در بخش تشریح مدل به تفصیل در مورد آنها توضیح داده خواهد شد. در جدول شماره ۴ ساختار داده‌های تحقیق نمایش داده شده است.

جدول شماره ۴: ساختار داده‌های تحقیق

مقوله اصلی	زیرمقوله	مفاهیم
عوامل محیط خارجی	فشار سیاسی و حقوقی
		فشار اقتصادی
		فشار اجتماعی و فرهنگی
		فشار فناورانه
عوامل محیط داخلی	ساختار و رویه‌های مجلس
		فرهنگ حاکم بر سازمان
ادراک (مقوله محوری)	شناخت مستقیم شناخت غیر مستقیم	معناسازی
		معنابخشی
		معناشکنی

در مرحله نهایی، کدگذاری نظری، چگونگی ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر مفهوم‌سازی می‌شود. در کدگذاری باز و انتخابی داده‌ها تجزیه و طبقه‌بندی می‌شوند، اما در مرحله کدگذاری نظری، مقوله‌ها و مفاهیم به یکدیگر مرتبط می‌شوند. در شکل شماره ۳ مدل نهایی تحقیق ارائه

شده است. ادراک در مرکز مدل قرار گرفته است و مقوله عوامل محیط خارجی از طریق مفاهیم فشارهای سیاسی - حقوقی، فشارهای اقتصادی، فشارهای اجتماعی - فرهنگی و فشارهای فناورانه، و عوامل محیط داخلی نیز از طریق مفاهیم ساختار و رویه های داخلی و فرهنگ حاکم بر سازمان بر ادراک نمایندگان به طور مستقیم تأثیر می گذارند. نتیجه ادراک نمایندگان نیز رخداد قانون گذاری و تصویب طرح ها و لوایح است.



شکل شماره شماره ۳: الگوی عوامل موثر بر ادراک نمایندگان

تشریح مدل

ادراک

همانطور که در شکل شماره ۳ قابل مشاهده است، ادراک به عنوان مقوله محوری در مدل توسعه یافته نهایی ظاهر شده است. تحلیل روایت ها و داستان هایی که توسط مصاحبه شوندگان اظهار شد، محققان را به این جمع بندی رهنمون کرد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی از دو طریق وقایع، لوایح و طرح ها را تجزیه و تحلیل و درک می کنند: یا به شکل مستقیم و از طریق مطالعه اسناد و مدارک و گزارش های تدوین شده نسبت به یک طرح یا لایحه شناخت کسب می کنند، و یا به شکل غیرمستقیم و با حضور در جلسات کمیسیون ها و فراکسیون ها و شنیدن نظرات همکارانشان، از یک طرح یا لایحه درکی پیدا می کنند. محقق در حین مصاحبه هایی که با نمایندگان داشت، به کرات جملاتی از آن ها شنید که ناظر بر شناخت مستقیم ایشان بود، از جمله: «من در خصوص این لایحه از برنامه توسعه، مطالعه کردم، گزارش های علمی را به دقت بررسی نمودم و حتی با وزارتخانه های مختلف صحبت کرده و فعالان در کمیسیون ها به دنبال جلب نظرات دیگران بودم». و یا جملاتی که مؤید شناخت غیرمستقیم آن ها بود مانند: «من در خصوص این لایحه در کمیسیون ها شرکت کردم و

گفتمان‌ها و روایت‌های سایر نمایندگان و مدعوین را شنیدم و چون خودم تخصص و علاقه‌ای به موضوع آن لایحه نداشتم، بر اساس اطمینانی که به برخی از نمایندگان داشتم، تصمیم‌گیری کردم».

نحوه توصیف نمایندگان از فرآیندی که درک محیط را توسط آن‌ها امکان‌پذیر ساخته بود محقق را بر آن داشت که برای نشان دادن فرایند ادراک نمایندگان، مفاهیم ظهور یافته را تحت دو زیر مقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم طبقه‌بندی نماید.

بر اساس نظر کارل ویک (۱۹۹۳)، ادراک هیچگاه به صورت فردی اتفاق نمی‌افتد بلکه همواره به صورت اجتماعی ساخته می‌شود. به بیان دیگر افراد هیچ گاه نمی‌توانند به صورت منفرد محیط خود را درک کنند و برای شناخت وقایع محیطی تحت تأثیر افراد، اجتماعات، تربیت خانوادگی، مدرسه یا دانشگاهی که فرد در آن درس خوانده و هزاران عامل دیگری که جنبه اجتماعی دارند، قرار می‌گیرند. با این وجود، می‌توان برای ادراک طیفی در نظر گرفت، در یک سر طیف افراد به صورت عاملانه به درک محیط می‌پردازند و این خود فرد است که نقش اساسی را در فرآیند ادراکی ایفا می‌کند، بنابراین در چنین شرایطی میزان اجتماعی بودن ادراک کمتر است. در سر دیگر طیف، افراد در حضور دیگران و از طریق گفتگو با آنان و شنیدن روایت‌ها و داستان‌های آن‌ها نسبت به واقعه‌ای ادراک مشخصی می‌یابند. در این شرایط میزان اجتماعی بودن ادراک بیشتر است.

آنچه محققان را به دو زیرمقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم رهنمون کرد، ظهور مفاهیم معناسازی، معنابخشی و معناشکنی بود. محققان با تجزیه و تحلیل رفتارهای نمایندگان از قبیل تلاش‌هایشان برای تحت تأثیر قراردادن دیگران در جلسات صحن و کمیسیون، نحوه استدلالشان برای قانع کردن سایرین جهت اعطای رأی مثبت یا منفی به یک طرح یا لایحه، و بررسی فرآیند مطالعاتی ایشان برای کسب شناخت نسبت به یک طرح یا لایحه به‌خصوص، به مفاهیم معناسازی، معنابخشی و معناشکنی دست یافتند. نامگذاری این مفاهیم با عنایت به ادبیات موضوع درباره شناخت صورت پذیرفت. مفهوم معناسازی تحت زیرمقوله شناخت مستقیم، و مفاهیم معنابخشی و معناشکنی تحت زیرمقوله شناخت غیرمستقیم دسته‌بندی شدند. مطابق با ادبیات موضوع، سه مفهوم معناسازی و معناشکنی و معنابخشی به این صورت تعریف شده‌اند: معناسازی فرآیندی است که افراد از طریق آن تلاش می‌نمایند تا محیط و وقایع محیطی را درک کنند. افراد در محیط سازمانی به طور مستمر در حال معناسازی و سپس

واکنش به اتفاقات محیطی هستند. معناسازی مقدمه‌ی هر اقدام و کنشی محسوب می‌شود. معناشکنی تخریب یا شکستن معنای ساخته شده در اذهان دیگران است. معنابخشی، فرایندی است که از طریق آن، افراد تلاش می‌کنند تا فرایند معناسازی دیگران را تحت تأثیر قرار دهند و معنای ذهنی خود را جایگزین معنای شکل گرفته در اذهان دیگران کنند (تیلور، ۲۰۰۴).

با عنایت به تعاریف بالا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که به تلاش‌های نمایندگان برای ادراک وقایع محیطی و قوانین در فرایند تصویب قوانین، معناسازی اطلاق می‌شود. نمایندگان براساس چارچوب‌های ذهنی خود به برخی از نشانه‌های محیطی به طور ویژه توجه می‌کنند و در همان حال برخی از نشانه‌های محیطی دیگر را نادیده می‌انگارند. نمایندگان به دنبال ساخت معنا از وقایع محیطی، طرح‌ها و لوایح هستند و بر اساس معنای ساخته شده در ذهنشان نسبت به یک طرح یا لایحه نظر می‌دهند. بنابراین کلیه ادراک‌هایی که یک نماینده نسبت به یک طرح یا لایحه دارد را می‌توان معناسازی نام‌گذاری کرد. این مفهوم در شمار زیادی از شواهد به دست آمده مشاهده شد و چون به طور مستقیم رخ می‌داد، محققان از عنوان شناخت مستقیم برای نامگذاری زیر مقوله مربوط به آن بهره گرفتند.

شواهد دیگر مؤید این واقعیت بودند که شناخت به طور غیرمستقیم هم اتفاق می‌افتد. نمایندگان در موقعیت‌هایی با بیان گفتمان‌ها، روایت‌ها، داستان‌ها و ارائه استدلال در گردهمایی‌های گوناگون، سعی در تخریب معنا و ادراک ساخته شده در مورد یک طرح یا لایحه در اذهان سایر نمایندگان داشتند (معناشکنی) و با ارائه استدلال‌های گوناگون سعی می‌کردند معنای ذهنی خود را به آن‌ها انتقال دهند (معنابخشی) و بدین شکل تحقق ادراک جدیدی را در سایر نمایندگان تسهیل کنند. از آنجا که این نوع از شناخت به طور غیرمستقیم رخ می‌داد، محققان از عنوان شناخت غیرمستقیم برای نامگذاری زیر مقوله مرتبط با آن استفاده کردند. در ذیل این زیر مقوله، دو مفهوم معناشکنی و معنابخشی جای گرفت.

عوامل محیط خارجی

در پژوهش حاضر، چهار مفهوم فشارهای سیاسی - حقوقی، فشارهای اقتصادی، فشارهای اجتماعی - فرهنگی و فشارهای فناورانه، عوامل محیط خارجی را تشکیل دادند. فشارهای سیاسی و حقوقی از مهمترین عواملی بود که به طور مستقیم و غیرمستقیم در صحبت‌ها و روایت‌های نمایندگان بازگو شد. نمایندگان برای تصویب یک قانون تحت فشارهای

گوناگون از سوی دولت و سایر نهادها قرار می‌گیرند. از سویی، مردم به نمایندگان فشار می‌آورند و از نمایندگان شهرشان انتظار دارند قوانینی را در راستای منافع منطقه آنان تصویب کنند، و از سوی دیگر از نمایندگان انتظار می‌رود که همسو با منافع حزبی که به آن تعلق دارند، اقداماتی انجام دهند. به علاوه، گاهی اوقات فشارهایی از سوی مسئولین اجرایی به نمایندگان وارد می‌شود تا در راستای تأیید لوایح دولت اقداماتی انجام دهند. در این میان نگرانی‌های درونی و پیش‌بینی نمایندگان از شرایط کاریشان پس از دوره نمایندگی، تمایل آن‌ها برای انتخاب شدن مجدد برای دوره‌های آتی، و انگیزه کسب مناصب دولتی، فشارهای وارد شده به نمایندگان را تشدید می‌کند.

با توجه به نقش کلیدی نماینده در تصویب قوانین، گاهی اوقات نهادهای گوناگون و حتی سایر نمایندگان، از ابزارهای اقتصادی برای تحت تأثیر قرار دادن نمایندگان استفاده می‌کنند. بالا رفتن انتظارات اعضای خانواده نمایندگان و وعده اعطای برخی امتیازهای اقتصادی همواره نمایندگان را تحت فشار قرار می‌دهد، لذا فشارهای اقتصادی نیز نقش مهمی در اثرگذاری بر ادراک نمایندگان ایفا می‌کند.

بخشی از فشارهای اجتماعی و فرهنگی وارده به نمایندگان از سوی مردم نشأت می‌گیرد. مردم انتظارات متفاوتی از نمایندگان خود دارند، انتظاراتی که ممکن است حتی جزء وظایف نمایندگی هم نباشد. انتظار دریافت وام، فراهم‌سازی زمینه اشتغال برای فرزندان، انتقال فرزندان از دانشگاه‌های شهرهای مختلف و موارد دیگر فشار بسیاری را به یک نماینده وارد می‌کند. این امر برای نمایندگان حوزه‌های انتخاباتی کوچک‌تر مشهودتر است. نمایندگان از یک سو به آرای مردم برای دوره بعد احتیاج دارند و از سوی دیگر مسائل و دغدغه‌های انسانی و احساسی به آنها اجازه نمی‌دهد نسبت به این مسائل بی‌تفاوت باشند. انتظارات و فشار رسانه‌ها برای تدوین قانون مناسب و مطالبه حل مسائل محلی این فشارها را مضاعف می‌کند.

در چند سال اخیر، شبکه‌های مجازی همچون تلگرام، واتساپ و کانال‌های تلگرامی، بروز تغییرات گسترده‌ای را در سطح جامعه به دنبال داشته است. استقبال چشمگیر مردم از این نوع رسانه‌های عمومی، باعث طرح شدن مشکلات و مطالبات اجتماعی در ابعاد وسیع شده است، معضل حقوق‌های نجومی از جمله مصادیق بارز قابل ذکر در این خصوص است. در حال حاضر برخی از رسانه‌های داخلی و خارجی نیز از این ابزارها بهره‌برداری سیاسی می‌کنند. در مصاحبه‌های صورت‌پذیرفته با تعدادی از نمایندگان، به این نکته اشاره شد که این رسانه‌ها

آزادی عمل نمایندگان را محدود کرده‌اند. بسیاری از نمایندگان اذعان داشتند که ترس از رسانه‌ای شدن، جسارت و تمایل آن‌ها به ریسک‌پذیری را محدود ساخته است. از سوی دیگر، IT محور شدن بسیاری از فرایندهایی که سابقاً به طور سنتی انجام می‌شدند مانند خدمات الکترونیک دولتی، و ضرورت برخورداری نمایندگان از ایمیل، وبسایت، کانال تلگرامی و صفحه‌های شخصی و مدیریت مناسب آن‌ها، از جمله دیگر عواملی هستند که فشارهای فناورانه بر نمایندگان را افزایش می‌دهند.

عوامل محیط داخلی

دو مفهوم ساختار و رویه‌های سازمان، و فرهنگ حاکم بر سازمان مجلس به عنوان عوامل محیط داخلی مؤثر بر ادراک نمایندگان احصاء شدند. مسلماً نمایندگان در بستر سازمانی مجلس فعالیت می‌کنند. فرایندهای تعریف شده برای مطرح شدن یک طرح یا لایحه، و فرایندهای مرتبط با طرح سؤال، تذکر و استیضاح و سایر ابزار نظارتی بر نحوه ادراک نماینده اثر می‌گذارد. فرهنگ حاکم بر سازمان مجلس اعم از کارکنان ستادی و نمایندگان، بر نحوه ادراک نماینده مؤثر است. در آیین نامه داخلی مجلس فرایند بررسی طرح‌ها و لوایح و همچنین سایر وظایف نمایندگان مشخص شده است، فرایندهای تدوین شده نقش بسزایی در ادراک نماینده نسبت به طرح‌ها یا لوایح و در نهایت قانون‌گذاری دارد، گزارش‌هایی کارشناسی که از سوی بخش اداری مجلس و یا سایر نهادهای پشتیبان همچون مرکز پژوهش‌های مجلس در اختیار نماینده قرار می‌گیرد نیز بر نحوه ادراک نماینده بسیار مؤثر است. نقش گزارش‌های کارشناسی تهیه شده در ادراک نمایندگان اهمیت بسزایی دارد.

رویه جامعه‌پذیری نمایندگان در هنگام ورود به مجلس و فرهنگ و رفتار کارکنان نیز بر نوع ادراک نمایندگان بسیار تأثیرگذار است. در حال حاضر فرایندهای بررسی طرح‌ها و لوایح مجلس با بخش‌های اداری مختلف مجلس از جمله معاونت‌های قوانین و نظارت در ارتباط است و عدم هماهنگی میان آن‌ها می‌تواند مشکلاتی را برای نمایندگان بوجود آورد. نقش کارشناسی و پژوهشی معاونت‌های پشتیبان نمایندگان در ساختار سازمان کافی نیست و ضرورت دارد اطلاعات بیشتری برای پشتیبانی تصمیم‌گیری در اختیار نمایندگان قرار گیرد. در شرایط کنونی، مشکلات و نارسایی‌های ساختاری، اداری و فرهنگی، ادراک نمایندگان را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این تحقیق با توجه به تأثیر وسیع و دیرپای قانون گذاری نمایندگان در سطح جامعه، تلاش شد تا عوامل مؤثر بر ادراک نمایندگان به هنگام قانون گذاری شناسایی شود. بی شک نمایندگان در خلاء تصمیم گیری نمی کنند و نحوه برداشت و ادراکشان نسبت به وقایع محیطی، طرح ها و لوایح در نوع تصمیمات اتخاذ شده از سوی آنها تأثیر می گذارد. لذا محققان شناسایی عوامل محیطی مؤثر بر ادراک نمایندگان را به منظور افزایش سطح آگاهی نمایندگان و به تبع آن ارتقاء سطح کیفی قانون گذاری مؤثر دانستند. نتایج نشان داد عوامل محیطی مؤثر بر ادراک نمایندگان را می توان به دو مقوله عوامل محیطی خارجی و عوامل محیطی داخلی تقسیم بندی نمود. مقوله عوامل محیطی داخلی خود از ۴ مفهوم فشارهای سیاسی - حقوقی، فشارهای اقتصادی، فشارهای اجتماعی - فرهنگی و فشارهای فناورانه تشکیل شده است. به عبارت دیگر عوامل محیط خارجی از طریق اعمال این چهار نوع فشار بر ادراک نمایندگان اثر می گذارند. عوامل محیطی داخلی نیز از دو مفهوم ساختار و رویه های داخلی سازمان و فرهنگ حاکم بر سازمان تشکیل شده است و ادراک نمایندگان تحت تأثیر ساختار و رویه های داخلی و فرهنگ سازمان قرار می گیرد.

با توجه به اینکه در نظریه داده بنیاد کلاسیک، پس از طراحی مدل، قضیه هایی توسعه می یابد، محققان با توجه به الگوی ارائه شده دو قضیه اصلی به همراه زیر قضیه هایشان را به شرح ذیل ارائه نمودند:

قضیه شماره ۱: عوامل محیط خارجی بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد.

زیر قضیه ۱: فشارهای سیاسی و حقوقی بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد.

زیر قضیه ۲: فشارهای اقتصادی بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد.

زیر قضیه ۳: فشارهای اجتماعی و فرهنگی بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد.

زیر قضیه ۴: فشارهای فناورانه بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد.

قضیه شماره ۲: عوامل محیط داخلی بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می‌گذارد.

زیر قضیه ۱: ساختار داخلی مجلس بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می‌گذارد.

زیر قضیه ۲: رویه‌های درونی مجلس بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می‌گذارد.

ادراک مقوله محوری پژوهش حاضر قلمداد شد. ادراک خود از دو زیر مقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم تشکیل شده است. زیر مقوله شناخت غیر مستقیم، مفهوم معنا سازی را دربر می‌گیرد و زیر مقوله شناخت غیرمستقیم، مفاهیم معناشکنی و معنا بخشی را در بر می‌گیرد. نتایج نشان داد کلیه تلاش‌های نمایندگان برای ادراک وقایع محیطی و قوانین در فرایند تصویب قوانین از جنس معنا سازی می‌باشد و کلیه تلاش‌هایشان برای تحت تأثیر قرار دادن سایر نمایندگان و تغییر ادراکشان نسبت به یک طرح یا لایحه قابل اطلاق تحت عناوین معناشکنی و معنا بخشی است.

با توجه به نقش چشمگیر نمایندگان در جامعه اینگونه مطالعات می‌تواند از نظر کاربردی بسیار اثربخش باشد. از سوی دیگر، با توجه به انگشت شمار بودن تعداد تحقیقات انجام شده در خصوص حوزه رفتاری نمایندگان، امید است این پژوهش مقدمه‌ای باشد برای انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه. در مجموع یکی از پیشنهادهایی که می‌توان به محققان آتی داد این است که می‌توانند عوامل احصاء شده در این پژوهش را در تحقیقات مستقل به طور مفصل تر بررسی کنند و قضایای توسعه یافته را مورد آزمون قرار دهند.

پروژه‌نامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و ماخذ

افجه، سید علی اکبر، (۱۳۸۵)، مبانی فلسفی و تئوریهای رهبری و رفتار سازمانی، انتشارات سمت، تهران.

حیدری، علی. سید کلالی، نادر. (۱۳۹۵). ارائه مدل مزیت رقابتی شرکتهای مشاوره مدیریت بر اساس نظریه قابلیت‌های پویا. فصلنامه مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران. دوره ۸، شماره ۲. ص ۳۳۸-۳۱۷.

Adorno, T.W., Frenkel-Brunswik, E., Levinson, D. J., & Sanford, R. N. (1950). *The authoritarian personality*. New York: Harper.

Altemeyer, R. A. (1998). "The other "authoritarian personality"". In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology*, Vol. 30. (pp. 47-91). New York: Academic Press.

Braithwaite, V. (1994). Beyond Rokeachs , "equality-freedom model: tow dimensional value in a one dimensional world". *Journal of social issues*, 50, 67-94

Brosch, T. Sander, D. (2013). "Neurocognitive Mechanisms underlying Value- based decision making: from core values to economic value. *Frontiers in Human Neuroscience*", 7, 398.

Bullock, John G. (2011). "Elite Influence on Public Opinion in an InformedElectorate." *American Political Science Review* 105(3):496-515.

Colin F. Camerer. (2009). "Progress in Behavioral Game Theory." *Journal of Economic Perspectives* 11(4): 167-88.

Corbin, J. & Strauss, A. (1990)" Grounded Theory Research: Procedures, Canons and Evaluative Criteria". *Qualitative Sociology*, 13(1): 3-21.

Costa-Gomes, M., V.P. Crawford and B. Broseta. (2010). "Cognition and Behaviorin Normal-Form Games: An Experimental Study." *Econometrica*69(5):1193-1235

Crane, Tim (2005): "The Problem of Perception". *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, accessed 1.9.2010.

Curhan, J. R., & Pentland, A. (2007). "Thin slices of negotiation: Predicting outcomes from conversational dynamics within the first 5 minutes". *Journal of Applied Psychology*, 92(12), Pp.802-814.

Davis, Gordan Bitter and Margrethe H. Olson (1985), *Management Information Systems: Conceptual foundations, Structure and Development*, Singapore: MacGraw-Hill Book Co, pp. 169 -171.

Duckitt, J. (2001)." A dual-process cognitive-motivational theory of ideology and prejudice". In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology*, Vol. 33. (pp. 41-113). San Diego, CA: Academic Press.

Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory*. Chicago: Aldine.

Glaser, B. (2005). *The grounded theory perspective III: Theoretical coding*, Sociology Press. Mill Valley, CA.

Gray, H. M., Gray, K., & Wegner, D. M. (2007). *Dimensions of mind perception*. Science, 315, 619. doi:10.1126/science.1134475

Gregory, Richard. (2000). *Perception*. Zangwill. pp. 598–601.

Jost, J. Basevich, E. and Dickson, S. (2016). "The Place of Value In a World of Politics: personality, motivation, and ideology". Journal of social issues 4(22), 131-146.

Jost, J. T., Nosek, B. A., & Gosling, S. D. (2008). "Ideology: Its resurgence in social, personality, and political psychology". Perspectives on Psychological Science, 3(2), 126-136.

Pickens, J. (2014). "Organizational Behavior in Health Care". Jones and Bartlett Publishers, Sudbury, MA, USA.

Putnam (Eds.), (1971). *The Sage handbook of organizational discourse*. (pp. 62–77). Thousand Oaks, CA: Sage Publications

Rokeach, M. (1960). *The open and closed mind*. New York: Basic Books.

Saks, A. M., & Ashforth, B. E. (2011). "Organizational socialization: Making sense of the past and present as a prologue for the future". Journal of Vocational Behavior, 51, 234-279.

Simon, Herbert A. (1955). "A Behavioral Model of Rational Choice." The Quarterly Journal of Economics 69(1):99–118

Slembeck, Tilman. (2016). "The Formation of Economic Policy: A Cognitive-Evolutionary Approach to Policy Making". Constitutional Political Economy, 8, 225–254.

Sparkman, J. Scott Eidelman. (2016). "“Putting myself in their shoes”: Ethnic perspective taking explains liberal–conservative differences in prejudice and stereotyping". Personality and Individual Differences 98) 1–5

Stagner, Ross. (1999), "Corporate Decision-Making: An Empirical Study", Journal of Applied Psychology, Vol. 53, pp. 1 ° 13.

Strauss, J. & Corbin, A. (1990). "Grounded Theory Research: Procedures, Canons and Evaluative Criteria", Qualitative Sociology 13, 3–21

Taylor, J. R., & Robichaud, D. (2004). "Finding the organization in the communication: □ Discourse as action and sensemaking". Organization, 11(3), 395–413

Tetlock, Philip E. (1984). "Cognitive Style and Political Belief Systems in the British House of Commons". *Journal of Personality and Social Psychology*, 1984, Vol. 46, No. 2, 365-375

Weick, K. E. (1993). "The collapse of sensemaking in organizations: The Mann Gulch disaster". *Administrative Science Quarterly*, 38(4), 628-652

Yin, R.K. (1984), *Case Study Research: Design and Methods*, Sage, Beverly Hills, CA.

Yiu, D.W. & Lau, C. (2008). "Corporate entrepreneurship as resource capital configuration in emerging market firms". *Entrepreneurship Theory and Practice*, 32(1): 37-57.

